

کاپیتالیست‌های چپ علیه سلبریتی‌ها

آیا چهره‌های مشهور جامعه ایرانی منفور شده‌اند؟

این را مکتوب هم می‌کند که «ما فرهیخته‌ترین بخش فضای مجازی فارسی هستیم» و «اینجا جای سلبریتی‌ها نیست». در اینستاگرام هم ماجرا از این بهتر نیست. میان خیل دنبال‌کنندگان و کامنت‌های زیرپرست سلبریتی، کسانی هستند که وظایف او را در قبال جامعه مدام به او یادآوری می‌کنند. اگر بلایی آسمانی رسیده باشد حتماً تذکر دهنده‌ای جایی کمین کرده که «خجالت نمی‌کشی جای همراهی عکس شادی‌ات را می‌گذاری؟»، اگر مناسبتی باشد دهانفری هستند که بگویند تولد یا وفات فلانی خیلی از حال الان خودت مهم‌تر است و اگر طرف موضوعی درباره یکی از همین چیزها گرفته باشد، سرکم‌وزیادش، سرانتخاب کلماتش، سرمیزان غیرتش، حتماً بحثی در خواهد گرفت.

ما چرا چپ‌ست؟ در این حجم نفرت از سلبریتی‌ها، چرا آنها در مقیاس جهانی دنبال‌کنندگان چهره‌های مشهور، از بسیاری سلبریتی‌های مهم جهانی هم، دنبال‌کننده بیشتری دارند؟ اگر قاطبه مردم ایران از این آدم‌ها بدشان می‌آید، پس چرا آنها هنوز این قدر جدی‌اند که هر حرکت فردی‌شان مورد قضاوت همه قرار می‌گیرد و اصلاً آنها را اینگونه با کلیک کردن روی دکمه «فالو» زیر نظر دارند؛ و حرکت جمعی‌شان موضع‌گیری‌های حاکمیتی و جناحی به دنبال دارد و تلویزیون راه گزارش‌سازی و امی دارد و روزنامه‌هایی را به پرونده‌سازی؟ آنهایی که پذیرش چهره بودن وجد از خطر و تین جامعه بودن‌شان، یکی از نخستین نشانه‌های زیست در یک جامعه سرمایه‌سالار است و دارند مطابق همین در ویرترین بودن هم زندگی می‌کنند اما ناگهان عادت جامعه برگشته و می‌خواهد انتقام آنچه را که نیست، آنچه را که خودش ساخته اما انگار دیگر نمی‌خواهد، از آنها بگیرد. مردم‌مانی آنها را دنبال می‌کنند تا ببینند چه پوششند، چه بگویند، چه گوش کنند و چگونه زندگی کنند؛ و همزمان معترضند که چرا اینگونه می‌پوشید، چرا این را می‌گویید، چرا چیزی را که ما دوست داریم گوش نمی‌دهید و چرا شبیه ما زندگی نمی‌کنید؟ سؤال این است که آنها اگر شبیه شما بودند دنبال‌شان می‌کردید؟ پاسخ به‌طور مشخص «نه» است. آمار دنبال‌کنندگان سلبریتی‌های مردمی که شبیه همه لباس می‌پوشند و زندگی می‌کنند، در مقایسه با آمار سلبریتی‌هایی که قواعد زندگی یک «ستاره» را رعایت می‌کنند، به وضوح این را نشان می‌دهد. سلبریتی‌ها امروز مرغ عروسی و عزا شده‌اند. مردمی باشند یا حکومتی، داخل مانده یا کوچ کرده، هر چه کنند، کسی هست که سنگی سوی‌شان پرتاب کند. آنها هم شاید بازی را یاد گرفته‌اند. فهمیده‌اند که اگر کار خودشان را بکنند و پاسخی ندهند تا موج واکنش بخوابد، اصل بر پذیرفته شدن تصمیم‌شان به‌عنوان یک چهره است و مردم آنها را در ماجراجویی تازه‌ای که برای زندگی‌شان پیش گرفته‌اند، دنبال می‌کنند. اوستاره می‌ماند، هر روز بر تعداد دنبال‌کننده‌های صفحه‌اش، «کا» و «ام»‌های کنار عدد صفحات مجازی‌اش، افزوده می‌شود؛ و طبعاً، بر دستمزدی که برای حضور روی هر صحنه‌ای خواهد گرفت. چه باک که عده‌ای هم در جبهه‌ای دیگر از فحاشی به آنها و ژست‌های چپ‌شان، پول یا محبوبیت به جیب‌بزنند؟ این یک بازی دوسربر برای دوطرف بازی است که البته مردم عادی کوچه و بازار را کارچندانی هم به آن نیست.

خسرو نقیبی

روزنامه‌نگار

**در این حجم نفرت از سلبریتی‌ها، چرا
آنها در مقیاس جهانی دنبال‌کنندگان
چهره‌های مشهور، از بسیاری
سلبریتی‌های مهم جهانی هم،
دنبال‌کننده بیشتری دارند؟ اگر قاطبه
مردم ایران از این آدم‌ها بدشان می‌آید،
پس چرا آنها هنوز این قدر جدی‌اند**

بازخوانی رفتارشناسی ایرانیان فعال در فضای مجازی (خاصه توئیتر فارسی) در سال‌های اخیر، نشان از نوعی محبوبیت دوباره افکار چپ در بین این عده دارد. چیزی که اجازه می‌خواهم نامش را «مُد» یا «رفتار متظاهرانه برای جذب ستاره‌های پسند مخاطبان» بگذارم. پرسه در حوالی زندگی این مردمان، نشان می‌دهد «سبک زندگی» این خواهندگان جامعه بی‌طبقه، سینه‌چاکان بچه‌های فقرو حاشیه‌نشینان شهر و آبروبران سلبریتی‌ها، کم از ستاره‌های موردنقدشان ندارد. تفاوت فقط اینجاست که خانم‌ها و آقایان پزشک، مهندس، وکیل و الخ، در آمده‌های میلیونی‌شان پیش چشم نیست، خانه‌هایی با اجاره‌های ۱۰ میلیونی و قیمت‌های فروش چند میلیارد تومانی‌شان زیر ذره‌بین نرفته و کسی تشنه دیدن عکس آنها در زندگی شخصی و کنار یار و همسر و فرزندشان نیست. آنها طرفدار حقوق پروستان شده‌اند چون امروز این است که فریادهای هورامی گیردوبرای هر خطش مردمانی به صف ایستاده‌اند تا کاف‌بزنند. آنها به سلبریتی‌ها حمله می‌کنند، چون مُد امروز، خلاف جهت آب شنا کردن و حرف دیگر زدن نیست؛ که زدن ثروت و تأثیرگذاران بر جامعه و کسانی است که «کاری میانه میدان» می‌کنند. چه بسا روزی برسد که مُد برگردد و آنها را پشت میز کارشان در مطب و دفتر و کالت یا ساختمان‌شان بیابید در حالی که دارند از محاسن ساختن و داشتن می‌نویسند و اینکه چرا تصمیم گرفته‌اند کاپیتالیست باشند. در چنین زمانه‌ای «سلبریتی» بودن، کار سختی است. همین که میانه میدان باشی و هر حرف و نظرت رصد شود. تورا «متهم ردیف اول» می‌کند. در توئیتر فارسی وضعیت برای سلبریتی‌ها قریب‌تر است. اصل بر بیرون کردن آنها گذاشته شده. کافی است بیابند و قدیمی به اشتباه بردارند تا موج فحاشی و کنایه‌ها که «اینجا اینستاگرام نیست که هر چه بگویی همه قربان صدقه‌ات برونند» راه بیفتد. جمعی که با افتخار

